

ارزشیابی محتوای درس تاریخ ادبیات دوره دوم متوسطه  
بر اساس مؤلفه‌های "جامعیت" و "صحت و اعتبار علمی"

Content Evaluation of the History of Literature Textbook in High schools  
based on the Components of "Comprehensiveness" and "Scientific Accuracy"

تاریخ دریافت مقاله: ۱۵/۰۵/۱۳۹۵؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۲۹/۰۹/۱۳۹۵

دکتر حیدر قمری<sup>۱</sup>

H. Ghamari (Ph.D)

**Abstract:** The purpose of this study was to evaluate the content of the History of Literature Textbook in High schools, based on the two components of "comprehensiveness" and "scientific accuracy". This study is conducted as an evaluation within a connoisseurship model. The population consisted of all the experts in the history of world and Iranian literature, teachers of history of literature textbooks in the high schools of Iran, in 2014-2015 academic years. The sample size of the study was 642 people. The researcher selected 5 provinces, including: Tehran, Semnan, Qom, Kerman, and Kermanshah to implement the research instruments. The research instruments include history of Iranian literature experts' interview protocol, history of world literature experts' interview protocol, and teachers' questionnaire. The validity of the teachers' questionnaire was determined through content validity and by using the opinions of several faculty experts, and the reliability was determined by estimating the consistency coefficient Cronbach's alpha of 0.89. The findings revealed that the books under analysis lack comprehensiveness in some fields, and their scientific accuracy is not at the desired level.

**Keywords:** evaluation, comprehensiveness, second and third grade in high school, scientific accuracy, textbook of the history of literature

چکیده: این پژوهش<sup>۱</sup>، در پی ارزیابی محتوای درس تاریخ ادبیات دوره دوم متوسطه (سال دوم و سوم آموزش متوسطه، رشته ادبیات و علوم انسانی) با هدف ترسیم وضعیت موجود دو کتاب در قالب دو مؤلفه "جامعیت" و "صحت و اعتبار علمی" بود. پژوهش از نوع ارزشیابی، و با الگوی "مبتنی بر نظر خبرگان" است. جمعیت آماری آن شامل متخصصان تاریخ ادبیات، و دبیران دو کتاب تاریخ ادبیات در سال تحصیلی ۹۴ - ۱۳۹۳ بوده است. حجم نمونه پژوهش ۶۴۲ نفر بود. محقق، ۵ استان مورد مطالعه را شامل تهران، سمنان، قم، کرمان، و کرمانشاه، به روش تحلیل خوشه‌ای انتخاب نمود. ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات شامل فرم مصاحبه با متخصصان تاریخ ادبیات ایران، فرم مصاحبه با متخصصان تاریخ ادبیات جهان، و پرسش‌نامه دبیران بود. روایی پرسش‌نامه دبیران از طریق روایی محتوایی و با استفاده از نظرات چند نفر از متخصصان موضوعی تعیین شد و پایایی آن از طریق برآورد ضریب هم‌سانی درونی آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۹ تعیین شد. یافته‌ها نشان می‌دهد دو کتاب در زمینه‌هایی، فاقد جامعیت‌اند و صحت و اعتبار علمی آن‌ها نیز در سطح مطلوب نیست.

کلیدواژه‌ها: ارزشیابی، جامعیت، دوم و سوم متوسطه، صحت علمی، کتاب درسی تاریخ ادبیات.

## مقدمه

عدم ارزشیابی جدی دو کتاب درسی تاریخ ادبیات دوره متوسطه در طول بیش از دو دهه که از تدوین و تدریس آنها می‌گذرد از یک سو، و تأثیر روش‌های سنتی و نه چندان پذیرفته‌شده تاریخ ادبیات‌نگاری از سوی دیگر، به علاوه تقسیم‌بندی ساختار این کتب بر مبنای افراد شاخص و سنت‌گذار به عنوان امری کم‌سابقه در زبان فارسی، پرسش‌هایی را در زمینه وضعیت کیفی دو کتاب پیش روی قرار می‌دهد که دستیابی به پاسخ آنها نیازمند ارزشیابی است؛ از این رو نگارنده بر آن شد تا دو کتاب را با محوریت هدف‌های پژوهشی زیر ارزیابی نماید تا اعتبار یا بی‌اعتباری تردیدها و تشکیک‌ها را معلوم نماید و به پیشبرد احتمالی برنامه‌های درسی زبان و ادب فارسی کمک کند:

۱. تبیین وضعیت موجود دو کتاب درسی تاریخ ادبیات از نظر جامعیت

۲. تبیین وضعیت موجود دو کتاب درسی تاریخ ادبیات از نظر صحت و اعتبار علمی

ضرورت این مطالعه آن گاه بیشتر دریافته می‌شود که با مروری گذرا درمی‌یابیم آثاری که در بررسی، طبقه‌بندی و نقد کتاب‌های تاریخ ادبیات ایران (و تذکره‌ها) پدید آمده است<sup>۱</sup>، عمدتاً معطوف به محتوای تاریخ ادبیات‌های کلان و ملی است و غیر از موضوع مطالعه حاضر، یعنی بررسی جامعیت کتاب‌های درسی تاریخ ادبیات، و صحت و اعتبار علمی آن دو است. از سه مطالعه‌ای هم که مستقیماً در زمینه این دو کتاب‌اند، یعنی پراتی (۱۳۸۷)، کرمی (بی‌تا) و حق-

---

۱. از جمله: کتاب «تاریخ تذکره‌های فارسی»، در دو جلد، تألیف احمد گلچین معانی (۱۳۵۰)؛ مقاله «نگاهی به تاریخ ادبیات‌نگاری و منابع آن در قلمرو سخن فارسی»، نوشته صادق سجادی (۱۳۷۷)؛ مقاله «بررسی سیر تذکره‌ها و تاریخ ادبیات‌های فارسی در ایران، از ۱۲۸۵ تا ۱۳۳۲ ش.»، نوشته منظر سلطانی (۱۳۸۰). برگرفته از رساله دکتری ایشان با همین عنوان، در دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۷۸)؛ کتاب «درباره تاریخ ادبیات»، نوشته جمعی از نویسندگان (۱۳۸۴)؛ مقاله (سخن‌رانی) «نارسایی‌ها در تدوین تاریخ ادبیات فارسی و ضرورت اصلاح و رفع آنها»، از احمد سمعی گیلانی (۱۳۸۶)؛ کتاب «نظریه تاریخ ادبیات»، تألیف محمود فتوحی (۱۳۸۷)؛ مقاله «تحلیل انتقادی تاریخ ادبیات‌نگاری»، نوشته سید حسین سیدی (۱۳۸۹)؛ مقاله «کاستی‌های روش‌شناسانه تاریخ ادبیات‌نگاری برای زبان فارسی»، نگاشته سید مهدی زرقانی (۱۳۸۹)؛ کتاب «تاریخ ادبی ایران و قلمرو زبان فارسی: تطور و دگردیسی ژانرها تا میانه سده پنجم»، نوشته سید مهدی زرقانی (۱۳۸۸)؛ و بالاخره مقاله علیرضا نیکویی (۱۳۹۰)، در معرفی و نقد کتاب مهدی زرقانی با عنوان «تاریخ ادبی ایران و قلمرو زبان فارسی: تطور و دگردیسی ژانرها».

ارزشیابی محتوای درس تاریخ ادبیات دوره دوم متوسطه بر اساس ...

شناس (۱۳۹۲)، تنها کرمی به عدم جامعیت یکی از این دو اثر اشاره می‌کند و می‌گوید: توجه بیش از حد به ادبیات رسمی درباری و مدیحه‌سرایان و غفلت از ادبیات عامیانه و افسانه‌ها و اساطیر از یک سو، و عدم توجه به ادبیات داستانی - خصوصاً معاصر - این کتاب را به متنی خشک و کسالت‌بار تبدیل کرده است. اما هیچ یک از سه پژوهش یادشده، به صحت علمی آن دو نمی‌پردازند (رک. قمری، ۱۳۹۵).

در کنار این ضرورت، باید به دانش انباشته‌شده در سال‌های اخیر در زمینه موضوع حاضر اشاره کرد که دو کتاب مورد مطالعه از آن بی‌بهره‌اند؛ از جمله این که:

- انتشار نتایج مطالعات و یافته‌های پژوهشی نو در زمینه بزرگان ادب فارسی و نیز جریان‌ات ادبی گذشته ایران که آگاهی ما را تا حدی دگرگون کرده است. در این زمینه، به مثابه نمونه، می‌توان به یافته استاد شفیع کدکنی (۱۳۸۸، صص ۱۸۵ تا ۱۹۲) اشاره کرد که اثبات می‌کند «پیر هری»، بر خلاف تصور چند صد ساله، غیر از خواجه عبدالله انصاری است. یا چنان که هم ایشان (۱۳۷۶) دریافته است، بر خلاف نظر مشهور، ابوسعید و سنایی بنیان‌گذاران شعر عرفانی نیستند، بلکه پیش از ایشان، شاعری به نام ابوذر بوزجانی در قرن چهارم اشعاری با رنگ و بوی عرفانی سروده است... فتوحی (۱۳۸۷، ص ۲۶۶) نیز می‌گوید: «چاپ منقح متون و فهرست‌ها و کتاب‌شناسی‌ها، بسیاری از اشتباهات مورخان ادبی را برملا می‌کند؛ از آن جمله است اطلاعات غلط ذبیح الله صفا درباره سنایی غزنوی...؛ استنباط نادرست درباره ظهیر فاریابی». یا چنان که محمدزاده و رویانی (۱۳۸۶) می‌گویند، برخلاف تصور رایج، سام‌نامه و همای و همایون در اصل یک اثرند، اما فردی نام عاشق و معشوق اصلی را به سام و پریدخت تغییر داده و با تغییر و تصرف، نام اثر را سام‌نامه گذاشته است.

- ورود دانش‌های نو ادبی مانند تاریخ ادبیات‌نگاری نوین در سال‌های اخیر به کشور، که دو کتاب درسی از آن‌ها بی‌بهره‌اند (رک. فتوحی، ۱۳۸۷، ص ۲۶۷). «دانش‌های سبک‌شناسی، نقد ادبی و بلاغت، دیدگاه‌های ادبی و ذوق جمال‌شناسی عصر ما را متحول ساخته است؛ مفهوم ادبیات و تاریخ ادبیات تحت تأثیر بوطیقای جدید دگرگون شده درک نوینی بر بنیاد رویکردهای جامعه‌شناسی و روان‌شناسی پا به عرصه ادبیات نهاده

است. [لذا] ضرورت نگارش تاریخ ادبی متناسب با ذوق زمان ما، به طور جدی احساس می‌شود. اینک زمان مناسب فرا رسیده است؛ یافته‌های جدید تاریخی، ادبی، امکانات لازم را برای تدوین تاریخ ادبیات ایران از نگاه عصر ما فراهم ساخته است. تاریخ ادبیات، یک دانش ثابت نیست، بلکه روندی تکاملی از پژوهش‌هاست. در این روند تجربه مورخان پیشین و پسین بر یکدیگر افزوده می‌شود. تاریخ ادبی ایران تا امروز چند مرحله را از سر گذرانده است، نخست مرحله معرفی و کشف شاعران بود، سپس مرحله بررسی صحت و سقم اطلاعات و بعد مرحله ارزیابی و نقد؛ پس از آن عصر شناخت فردیت‌ها و مناسبات و پیوستگی‌هاست. افق انتظارات خوانندگان تاریخ ادبیات پیوسته در تغییر است. شاید اکنون زمان نگارش تاریخ ادبی بر مبنای حیات متن‌ها بر گذار تاریخ فرا رسیده باشد» (همان، ص ۲۶۷).

لذا جستجوی حاضر، با عنایت به ضرورت‌های یادشده و نیز با درنظر داشتن دگرگونی ذائقه نسل‌های نو تحت تأثیر تحولات اجتماعی و فرهنگی\_ که باید در تدوین متون درسی به آن‌ها توجه نمود\_ ضروری می‌نمود.

ذکر این نکته لازم است که جستجوی نگارنده در این پژوهش درباره وضعیت درس تاریخ ادبیات در برنامه درسی چند کشور انگلیسی‌زبان، شامل استرالیا، ایالات متحده، بریتانیا و کانادا نشان می‌دهد که این موضوع در برنامه درسی این کشورها تقریباً غایب است. اگر هم ندرتاً مطرح است، عمدتاً اختیاری و به گونه‌ای متفاوت با نوع ایرانی آن است. چنان که دانش‌آموزان در آن ممالک برای درک شرایط تاریخی تولید آثار و نیز دریافت احوال پدیدآورندگان آثار، به بررسی و تحلیل خود آثار ادبی می‌پردازند و از رهگذر بررسی متون، به اطلاعات تاریخی یا اطلاعات دیگر دست می‌یابند. اگر ضمن مطالعه آثار ادبی، بحث تاریخی مطرح می‌شود، بدین سبب است که دانش‌آموزان به این توانایی دست یابند که چگونه از آنچه در باب زمینه تاریخی یک اثر ادبی یا نویسنده آن می‌دانند، برای درک بهتر مطالب متن مورد مطالعه کمک بگیرند. این امر در زبان فارسی تاحدودی برعکس است (رک. "نشانی وبگاه برنامه درسی چند کشور" در پایان این مقاله).

## روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع ارزشیابی، و با الگوی "مبتنی بر نظر خبرگان" است. اما برای تکمیل داده‌های به‌دست‌آمده از متخصصان، از نظرات دبیران<sup>۱</sup> به عنوان آموزشگران دو کتاب<sup>۲</sup> درباره محتوای آن دو نیز استفاده شد.

جمعیت آماری<sup>۱</sup> این پژوهش شامل متخصصان تاریخ ادبیات ایران و جهان، و دبیران دو کتاب تاریخ ادبیات پایه‌های دوم و سوم رشته علوم انسانی در سال تحصیلی ۹۴ - ۱۳۹۳ بوده است. حجم نمونه پژوهش (شامل ۶۴۲ نفر) بر اساس جدول نمونه‌گیری مورگان و به شرح زیر انتخاب شد:

- دبیران پایه دوم: ۳۳۲ نفر؛ پایه سوم: ۳۰۱ نفر
- متخصصان تاریخ ادبیات ایران: ۵ نفر؛ تاریخ ادبیات جهان: ۴ (افراد به صورت هدف‌مند انتخاب شدند)

در پژوهش حاضر، برای انتخاب نمونه آماری دبیران، ۵ استان به روش تحلیل خوشه‌ای انتخاب شدند<sup>۲</sup>. تهران از خوشه استان‌های خیلی بزرگ، کرمان از خوشه استان‌های بزرگ، کرمانشاه از خوشه استان‌های متوسط و سمنان و قم از خوشه استان‌های کوچک با طی مراحل زیر:

۱. انتخاب ۵ استان از طریق روش تحلیل خوشه‌ای
۲. انتخاب تصادفی ۳ منطقه یا شهرستان از استان‌های منتخب (مجموعاً ۱۵ شهرستان یا منطقه)
۳. انتخاب تصادفی ۳۶ دبیرستان (پسرانه و دخترانه، شهری و روستایی) از مناطق منتخب
۴. انتخاب تصادفی ۳ کلاس از هر دبیرستان
۵. انتخاب تمامی دبیران تاریخ ادبیات پایه‌های دوم و سوم کلاس‌های منتخب. در مجموع تعداد ۶۳۳ نفر به عنوان نمونه آماری دبیران.

### 1 . Statistical Population

۲. در این روش که در پژوهش کبیری ۱۳۹۳ (ص ۱۰۰) به کار گرفته شده، استان‌های کشور با توجه به شاخص‌های درصد دانش‌آموزان غیر انتفاعی، درصد دانش‌آموزان روستا نشین، تعداد دانش‌آموزان، سرانه دانش‌آموزی و شاخص به‌کارگیری ساختمان به چهار خوشه استان‌های خیلی بزرگ، استان‌های بزرگ، استان‌های متوسط و استان‌های کوچک تقسیم شده‌اند.

ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات شامل فرم مصاحبه با متخصصان تاریخ ادبیات ایران، فرم مصاحبه با متخصصان تاریخ ادبیات جهان، و پرسش‌نامه دبیران بود.

روایی پرسش‌نامه دبیران از طریق روایی محتوایی و با استفاده از نظرات چند نفر از متخصصان موضوعی تعیین گردید. پایایی آن نیز از طریق برآورد ضریب هم‌سانی درونی آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۹ برآورد شد.

برای تحلیل داده‌های سؤال‌های پژوهشی از آزمون  $k-s$  برای هر عبارت پرسش‌نامه و آزمون  $\chi^2$  تک‌متغیره (تحلیل فراوانی) برای فرم‌های مصاحبه استفاده شد. بررسی اطلاعات حاصل از سؤال‌های کیفی با طی مراحل جمع‌آوری پاسخ سؤال‌ها، حذف نظرات مشابه و تعیین بسامد (فراوانی) دیدگاه‌ها، طبقه‌بندی و مقوله‌بندی نظرات، تنظیم نظرات به ترتیب فراوانی و ... صورت گرفت.

#### تحلیل داده‌ها

به منظور دستیابی به پاسخ پرسش‌های پژوهش، از ابزارهای یادشده استفاده شد. داده‌ها به دو صورت کمی و کیفی گردآوری شدند. تحلیل داده‌ها به تفکیک سؤال (هدف) پژوهشی به اختصار در پی می‌آید:

۱. آیا دو کتاب درسی از جامعیت برخوردارند؟

الف. نظرات دبیران پیرامون جامعیت دو کتاب درسی:

میانگین نمره جامعیت کتاب درسی از نظر دبیران پایه دوم دبیرستان برابر با ۲/۲۵، از نظر دبیران پایه سوم دبیرستان برابر با ۲/۲۴ است.

جدول شماره ۱: تحلیل آماری جامعیت کتاب درسی

پایه تحصیلی	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	میانگین نظری	تفاوت میانگین‌ها	t	Sig (2sided)
دوم	2.25	0.68	321	2.8	-0.55	14.42	0.05
				2	0.25	6.65	
سوم	2.24	0.67	298	2.8	-0.56	14.55	0.05
				2	0.24	6.17	

متناسب با نتیجه جدول شماره ۱، تفاوت آماری میانگین‌های مشاهده شده و میانگین نظری (۲/۸ برای مطلوبیت و ۲ برای مناسب بودن) جامعیت کتاب درسی در هر دو پایه معنی‌دار است. بنابراین می‌توان گفت:

- جامعیت کتاب درسی در پایه دوم دبیرستان در سطح مناسب قرار دارد، اما پایین‌تر از سطح مطلوب است.
- جامعیت کتاب درسی در پایه سوم دبیرستان در سطح مناسب قرار دارد، اما در سطح مطلوب نیست.

ب. نظرات متخصصان پیرامون جامعیت دو کتاب درسی:

در این زمینه نظرات به سه دسته تقسیم می‌شوند:  
دسته اول: این نظرات، بدون ذکر ادله و مصادیق، دو کتاب را جامع به حساب می‌آورند و برآنند که آن دو، تقریباً همه مباحث را گاه به اجمال و گاه به تفصیل، در بر دارند.  
دسته دوم: این نظرات، بعضی اصلاحات کوچک و جزیی را از قبیل موارد زیر، لازمه جامع شدن دو اثر می‌دانند:

- دو کتاب تقریباً جامع است و برای دوره دبیرستان کفایت می‌کند. اما لازم است در بخش تاریخ ادبیات معاصر آن، ادبیات انقلاب و ادبیات مقاومت نیز گنجانده شود.

- اگر برخی مطالب تاریخ ادبیات جهان را که آموزش و پرورش از کتاب حذف کرده، دوباره اضافه شود، به جامعیت دو کتاب افزوده خواهد شد.
- می‌توان با مباحث ضروری دیگر دو کتاب را کامل کرد. فضای محدود کتاب باعث شده مؤلفان دستشان بسته باشد. مثلاً در بخش کتاب‌های نثر دینی اشاره به دو تفسیر شده، در حالی که شعر دینی حوزه وسیعی است که مسکوت مانده است.
- دسته سوم: این نظرات، بسط و گسترش بیشتر موضوعات را لازمه جامع شدن دو اثر می‌دانند. این دسته از دیدگاه‌ها نمونه‌های فراوانی از عدم جامعیت دو کتاب را از جمله مثال‌های زیر ارائه می‌نمایند:
- در ج ۱، ص ۶۲ از مجموعه حکومت غزنوی فقط به محمود توجه شده است. در عصر عنصری شاعران دیگری وجود دارد که همه آن‌ها حوزه کاری ادیبان پیوسته با دربار محمود نبوده و دیگرانی هم نقش داشته‌اند و به دوره سلجوقیان هم کشیده شده که اطلاعات ارائه شده کامل نیست. درباره نخستین سخن‌سرایان فارسی نیز دیدگاه‌ها به طور کامل بیان نشده است. موضوع اطلاعات تاریخی باید بازنگری شود. بهتر است تصویر ادبیات به صورت کوچک شده اما کامل منعکس شود.
- در بخش "پژوهش" کتاب، گاهی منابع معرفی شده است. گاهی نیز مانند این موارد خیر:  
ج ۲، ص ۱۱؛ ج ۲، ص ۲۱؛ ج ۲، ص ۳۰؛ ج ۲، ص ۳۵؛ ج ۲، ص ۴۷؛ ج ۱، ص ۵۵؛ ج ۲، ص ۶۲؛ ج ۲، ص ۶۷؛ ج ۲، ص ۷۴.
- ج ۱، ص ۹۰: درباره سبک نثر بخش نخستین تاریخ سیستان توضیحاتی آمده است. اما در توضیح سبک بخش دوم آن گفته شده «با سبک همان زمان نگارش یافته است»، و این مبهم و ناکافی است.
- ج ۱، ص ۱۰۱: در سطر اول از دوره دوم فرمانروایی سلجوقیان سخن به میان آمده است، اما گفته نشده این دوره کی شروع شده است. چیزی هم از دوره اول فرمانروایی سلجوقیان در این کتاب گفته نشده است.



ارزشیابی محتوای درس تاریخ ادبیات دوره دوم متوسطه بر اساس ...

- ج ۱، ص ۱۲۸، بخش "درآمدی بر عصر مولوی" بسیار خلاصه است و اشاره‌ای به مباحث تاریخی و حمله مغول و... نشده است.

- ج ۱، ص ۱۸۵ و صص بعد: اصول برشمرده شده برای کلاسیسیسم ناکافی است؛ چنان که موضوع تعادل، توازن، تقارن، هم‌آهنگی و هارمونی، ظرافت، حقیقت‌نمایی، روشنی، توجه به قدما و تقلید از آن‌ها هم جزء اصول کلاسیسیسم است که در کتاب نیامده‌اند.

- ج ۲، ص ۱۱۰: عنوان درس، «چهره‌های شعر دوره بیداری (۲)» است، بنابراین چهره‌های نثر مغفولند. در این بخش کتاب (بخش هفتم) درسی مستقل برای نثر منظور نگردیده است.

- ج ۲، ص ۱۹۱: پیش از تیتراژ «شکست ژوئن ۱۹۶۷» لازم است مطلبی هم درباره شعر فلسطین از ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۷ گفته شود. مقطع زمانی ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۷ در این کتاب فاقد مطلب است.

- ج ۲، ص ۱۹۵: در این کتاب «ادبیات داستانی معاصر عرب» در قالب درس ۲۴ مطرح گردیده، اما نشانی از ادبیات داستانی در ایران نیست!

- ج ۲، ص ۱۹۹: عنوان مطلب این است: «قصه‌نویسی پس از شکست ۱۹۶۷ اعراب از اسرائیل». قصه‌نویسی پیش از ۱۹۶۷ هم، تیتراژ و مطلب لازم دارد.

- نام مصححان آثار معرفی شده گاهی ارائه شده است، و گاهی مانند این موارد خیر: در ج ۱، ص ۲۹، آثار رودکی؛ ج ۱، ص ۳۶، دیوان کسایی؛ ج ۱، ص ۴۵، کتاب الابنیه؛ ج ۱، ص ۸۹، قابوس‌نامه، نیز دانشنامه علایی، التفهیم و...؛ ج ۱، ص ۹۴، کتاب‌های این صفحه؛ ج ۱، ص ۹۸، طبقات الصوفیه؛ ج ۱، ص ۱۰۵، دیوان انوری؛ ج ۱، ص ۱۳۴، آثار سنایی؛ ج ۱، ص ۱۴۰، آثار خاقانی؛ ج ۱، ص ۱۴۴، خمسه نظامی؛ ج ۱، ص ۱۵۶، آثار مولوی. این امر نیز از مصادیق دیگر ضعف جامعیت اطلاعات دو کتاب است.

- نبود یا کمبود نمونه و شاهد مثال به‌ویژه از متون منتور، از دیگر مصادیق ضعف جامعیت دو کتاب است، مانند کتاب‌های نثر ج ۱، ص ۱۱۸؛ یا ج ۱، ص ۱۲۵ که نمونه‌ای از نثر گلستان ذکر نشده است. یا ج ۲، ص ۱۰۹. شواهد دو کتاب اغلب از متون نظم هستند نه نثر. حتی در جاهایی که کتاب نثر معرفی می‌شود (مثلاً کلیله یا گلستان) نمونه نثرش ذکر نمی‌شود.

- شرح حال افراد گاهی نقص دارد؛ مانند عدم اشاره به زمان زاده شدن فرخی در ج ۱، ص ۶۴؛ یا سن منوچهری هنگام فوت در جوانی در ج ۱، ص ۶۸.

- نقص اطلاعات نقشه‌های به کار برده شده، مانند ج ۱، ص ۲۰ و ۲۱، که معلوم نیست نقشه مربوط به قلمرو اسلامی یا ایران است. مأخذ آن هم معلوم نیست. نیز ج ۱، ص ۹۶ و ۹۷ که منبع نقشه معلوم نیست.

- و بالاخره، عدم ذکر اطلاعات کتاب‌شناختی بعضی از آثار مورد استفاده، در منابع انتهایی دو کتاب، هم چون ج ۱، ص ۲۰۴، که نوشته شده: اوکتاویو پاز ترجمه سیمین‌دخت چهره‌گشا، یا در ج ۲، ص ۱۶۹، که به دایره المعارف بریتانیکا ارجاع داده شده، یا در ج ۲، ص ۱۷۶، سطر دوم که به "فرهنگ امریکن هریتیج" ارجاع داده شده و در انتها معرفی نشده‌اند، جامعیت دو کتاب را تحت تأثیر قرار داده است.

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت جامعیت دو کتاب با شرایط مطلوب فاصله دارد.

## ۲. آیا محتوای دو کتاب درسی از صحت و اعتبار علمی برخوردارند؟

الف. نظرات دبیران پیرامون صحت و اعتبار علمی دو کتاب:

میانگین نمره صحت و اعتبار علمی کتاب‌های درسی از نظر دبیران پایه دوم دبیرستان برابر با ۲/۷۸، از نظر دبیران پایه سوم دبیرستان برابر با ۲/۷۱ است.

جدول شماره ۲: تحلیل آماری صحت و اعتبار علمی کتاب‌های درسی

Sig(2si (ded	t	تفاوت میانگین‌ها	میانگین نظری	درجه آزادی	انحراف استاندارد	میانگین	پایه تحصیلی
0.533	0.62-	0.02-	۲.۱	321	0.59	2.78	دوم
0.05	23.75	0.78	۲				
0.017	2.4	0.09-	۲.۱	297	0.61	2.71	سوم
0.05	20.09	0.71	۲				

متناسب با نتیجه جدول شماره ۲، تفاوت آماری میانگین‌های مشاهده شده و میانگین نظری (۲/۸ برای مطلوبیت و ۲ برای مناسب بودن) صحت و اعتبار علمی کتاب‌های درسی در

ارزشیابی محتوای درس تاریخ ادبیات دوره دوم متوسطه بر اساس ...

هر دو پایه، به غیر از سطح مطلوبیت پایه دوم دبیرستان که معنی دار نیست، در سایر سطوح معنی دار است. بنابراین می‌توان گفت:

- صحت و اعتبار علمی کتاب درسی در پایه دوم دبیرستان بالاتر از سطح مناسب قرار دارد، اما در حد سطح مطلوب است.
- صحت و اعتبار علمی کتاب درسی در پایه سوم دبیرستان در سطح مناسب قرار دارد، اما از سطح مطلوب پایین‌تر است.

#### ب. نظرات متخصصان پیرامون صحت و اعتبار علمی دو کتاب:

در این زمینه، تنها چند نظر محدود، دلالت بر تأیید صحت محتوایی دو اثر به صورت کامل دارد. بر اساس این نظرات، اعتبار علمی مطالب کتب مورد نظر خوب است. زیرا اولاً مؤلف مربوط، دانشمندی است معتبر که تحقیقات ادبی‌اش از دقت و مایه علمی مطلوب برخوردار است و در این کتب نیز تمام تلاش علمی خود را جهت تضمین صحت و اعتبار مبذول نموده است. به علاوه، منابع استفاده شده ایشان در دو اثر به جز چند مورد محدود در حد خوب یا عالی است. بر اساس این نظرات، بخش تاریخ ادبیات جهان دو کتاب نیز خوب تدوین شده است.

سایر نظرات ارائه شده ناظر بر مواردی عدیده از عدم صحت بخش‌هایی از محتوای دو اثر است که نمونه‌هایی از آنها در دسته‌های زیر ارائه می‌شود:

- عدم صحت و اعتبار علمی پاره‌ای از اطلاعات تاریخی کتاب درسی:
  - ج ۱، ص ۱۳۴: در سطر هفتم از بند دوم آمده است: سنایی در سال ۵۳۲ هجری زندگی را بدرود گفت. در حالی که دکتر شفیعی کدکنی در ص ۱۴ "تازیانه‌های سلوک"، سال مرگ وی را ۵۲۹ ذکر کرده است.
  - ج ۱، ص ۱۷۸: تاریخ پایان عصر رنسانس ۱۹۵۹ ذکر شده، که صحیح نیست و به نظر می‌آید اشتباه تایپی باشد.
  - ج ۲، ص ۹: بند دوم، ذیل فخرالدین عراقی: اولاً گفته شود عراقی به "مولتان هند" رفت، و نه "مولتان" که برای دانش‌آموزان نامعلوم است. ثانیاً برخلاف مطلب کتاب، ایشان پس از

مولتان قصد دیار روم نکرد. بلکه ۲۵ سال در مولتان ماند، سپس به حج رفت و از آنجا عازم آسیای صغیر شد.

○ ج ۲، ص ۱۴۸: سن شهریار هنگام مرگ ۸۴ سال آمده که محاسبه سن وی نادرست است. سن وی هنگام درگذشت بر اساس اطلاعات خود کتاب، ۸۲ سال صحیح است.

○ ج ۲، ص ۱۸۵: در بند دوم گفته شده: «در اواخر عصر عباسی، بلاد اسلامی بر اثر حمله مغول‌ها و ترکان عثمانی و با وجود خلفایی ضعیف و بی‌کفایت به انحطاط سیاسی و فرهنگی دچار شد». چنان که می‌دانیم، حکومت سلسله عثمانی در سال ۶۹۹ قمری (معادل با ۱۲۹۹ میلادی) شروع شد. در اواخر عصر عباسی هنوز عثمانیان ظهور پیدا نکرده بودند که بشود انحطاط بلاد اسلامی را به آنان نسبت داد. البته سلجوقیان آسیای صغیر در حال مملکت‌داری بودند.

○ ج ۲، ص ۱۸۵: چنان که می‌دانیم، لشکرکشی ناپلئون بناپارت به مصر در سال‌های (۱۸۰۱-۱۷۹۸) بوده و کشف نفت حدود ۱۰۰ سال پس از این تاریخ رخ داده است. اما در کتاب روند تاریخی بند دوم و سوم بعد از عنوان "شعر نوین عرب" عکس این واقعیت تاریخی است. یعنی اول نفت کشف شده، سپس لشکرکشی ناپلئون بناپارت به مصر رخ داده است.

○ ج ۲، ص ۱۹۹: گفته شده: «بی‌تردید انقلاب مصر... مهم‌ترین رخداد سیاسی در جهان عرب است». بهتر بود گفته می‌شد: انقلاب مصر یکی از مهم‌ترین رخدادهای سیاسی جهان عرب در آن روزگار بوده است. زیرا اتفاقی چون فروپاشی عثمانی برای جهان عرب اتفاق کوچکی نبود. به علاوه، بعدها جهان عرب اتفاقات مهم‌تری داشته از قبیل تغییرات جغرافیای سیاسی، جنگ ۶ روزه، انقلاب‌ها و ...

● **عدم صحت و اعتبار علمی پاره‌ای از اطلاعات زندگی‌نامه‌ای کتاب درسی:**

○ ج ۱، ص ۵۰ و ۵۱: چهار دلیل درباره مورد پسند محمود واقع نشدن شاهنامه ذکر شده. در کتاب هر چهار تقصیر کم و بیش متوجه فردوسی شده، درحالی که می‌شد برخی تقصیرات را متوجه محمود دانست، مثلاً طبیعت تربیت‌نیافته و غیرفرهنگی او، و ...

ارزشیابی محتوای درس تاریخ ادبیات دوره دوم متوسطه بر اساس ...

○ ج ۱، ص ۵۱: در سطر یازدهم گفته شده: «آرامگاه او (=فردوسی) اینک در شهر توس...» است. باید گفته شود: آرامگاه نمادین (و نه واقعی) او اینک در شهر توس است. زیرا آرامگاه واقعی این شاعر بر کسی معلوم نیست.

● **عدم صحت و اعتبار علمی پاره‌ای از اطلاعات ادبی کتاب درسی:**

○ تقسیم‌بندی ساختار دو کتاب بر مبنای عصر، اولاً گاهی شاعران و نویسندگان را با کمترین شباهت و صرفاً به دلیل تقارن عصری در ذیل عصر شاعران و نویسندگانی دیگر قرار می‌دهد. در ثانی، تقسیم ادوار شعر و ادب بر اساس نام افرادی خاص محدودیت زمانی ایجاد می‌کند و ناچار باید از زمانی به بعد نام دوره را تغییر داد و به نام دیگری کرد و لذا تسلسل و توالی دوره پیشین را قطع کرد. ثالثاً، دو بخش آن دو اثر (تاریخ ادبیات ایران و تاریخ ادبیات جهان) به یک شیوه تألیف نشده است (بخش تاریخ ادبیات ایران بر مبنای اعصار و بخش تاریخ ادبیات جهان بر مبنای مکاتب تدوین گردیده است).

○ ج ۱، ص ۱۰: مطلب بندت پاورقی درباره یکی از دشواری‌های خط پهلوی مبنی بر این که املاهای واژه‌های آن تلفظ تاریخی را نشان می‌دهد و نه تلفظ زمان را، الزاماً درست نیست. زیرا خط امری محافظه‌کار است و در همه زمان‌ها اغلب نشان‌دهنده تلفظ قدیمی است. املاهای بعضی از واژه‌های زبان‌های انگلیسی و فارسی امروز هم این گونه است.

○ ج ۱، ص ۱۰۲: مورد ۶ (یعنی گسترش حوزه زبان و ادبیات فارسی در نقاط مختلف ایران و شبه قاره هند) از ویژگی‌های سبک عراقی نیست. جزء ویژگی‌های دوره است و نه سبک.

○ ج ۱، ص ۱۳۸: در بند اول سخن از "عقده حقارت" خاقانی است و در بند آخر از "غرور ذاتی" وی. این دو متناقض هستند.

○ ج ۱، ص ۱۶۳: در ص ۱۵۶ مولوی شاخص‌ترین شاعر فارسی دانسته شده. در ص ۵۵ ج ۱ نیز درباره شاهنامه گفته شده که شاید برترین اثر فارسی است! در جلد ۲ ص ۲۵ سطر اول این مقام به فردوسی و حافظ داده شده است! به این ترتیب نمی‌شود دریافت که شاخص‌ترین شاعر فارسی کیست.

- ج ۱، ص ۱۶۷ بند آخر: درباره سعدی کمی اغراق شده و گفته شده است: «تمام موضوعات و مضامین شعری را در کلیات سعدی می‌بینیم». در حالی که می‌دانیم در دیوان سعدی حماسه، غزل عرفانی و ... وجود ندارد.
- ج ۱، ص ۱۷۴: در این جمله کمی اغراق شده است: هنوز هومر بزرگترین حماسه‌سرای جهان است.
- ج ۱، ص ۱۸۱: در بند آخر گفته شده «کمدی الهی... کاملاً آفریده ذهن و تصور دانته است». این بدین معنی است که آثاری از قبیل ارداویراف‌نامه، سیرالعباد الی المعاد سنایی، مصیبت‌نامه عطار و... پیشوا و راهنمای دانته نبوده‌اند، و این تردیدآمیز است.
- ج ۲، ص ۱۰: (در سطر سوم، درباره عشاق‌نامه یا ده‌نامه عراقی گفته شده: «در دوره‌های بعد شاعران از این کتاب تقلید کردند و چندین ده‌نامه در ادب فارسی پدید آوردند»). باید گفت این اولین ده‌نامه فارسی نیست. زیرا هم زمان با این کتاب (یعنی اواخر قرن هفتم) همام تبریزی صحبت‌نامه را تدوین کرده که ده‌نامه است. به علاوه، نخستین ده‌نامه را باید از فخرالدین اسعد گرگانی، مندرج در منظومه ویس و رامین دانست. این که اوحدی مراغه‌ای (۷۳۸-۷۴۳ه.ق) در «منطق العشاق» (ده‌نامه) سخن از ده‌نامه‌های کهنه می‌گوید بدین معناست که این نوع، دارای سابقه بوده است: دل از ده‌نامه‌های کهنه سیر است / بگو ده‌نامه-ای شیرین که دیر است. نتیجتاً این که وی شروع‌کننده قطعی این موضوع نیست، لذا برخلاف نوشته کتاب، نمی‌توان گفت در دوره‌های بعد شاعران از این کتاب تقلید کرده‌اند.
- ج ۲، ص ۱۳: در توضیح آثار خواجه، سام‌نامه از وی دانسته شده است. باید دانست که سام‌نامه و همایون یک اثرند. فردی نام عاشق و معشوق اصلی را به سام و پریدخت تغییر داده و با دخل و تصرف، نام منظومه را سام‌نامه گذاشته است. البته در تاریخ ادبیات دکتر میرباقری و دیگران کتابی مجزا معرفی شده با مشخصاتی مجزا از همایون و همایون. به هر حال سام‌نامه از خواجهی کرمانی نیست و اثری است که با آمیختن همایون و همایون خواجه با دیگر اشعار و داستان‌های فرعی دیگر تدوین شده است. «سام‌نامه» از

ارزشیابی محتوای درس تاریخ ادبیات دوره دوم متوسطه بر اساس ...

شاعری ناشناس به تصحیح وحید رویانی و به وسیله انتشارات میراث مکتوب منتشر شده است.

○ ج ۲، ص ۲۴: در سطر آخر می‌خوانیم: «حافظ هم بی‌شک مانند فردوسی در عرصه سخن و فرهنگ ایران پهلوانی بی‌همتاست». این سخن ایراد منطقی دارد؛ نمی‌شود هم حافظ بی-همتا باشد هم فردوسی!

○ ج ۲، ص ۱۰۸، پاورقی ۲: اطلاعات ارائه شده در مورد تعداد مجلدات و صفحات لغتنامه دهخدا (۲۲ جلد و ۲۶۴۷ صفحه) درست نیست. این اثر امروزه در ۱۵ جلد و یک مقدمه، مجموعاً در ۲۳۹۱۱ صفحه منتشر شده است. آمار ارائه شده با چاپ‌های قدیمی نیز ناهمخوان است.

○ دو اثر در حدی قابل توجه مشتمل بر لغزش‌های نگارشی و ویرایشی هستند؛ این لغزش‌ها و خطاها را می‌توان این گونه دسته‌بندی کرد: الف. خطاهای ناشی از عدم به‌گزینی واژگان، مانند ج ۲، ص ۱۹۹، بند ۶، که نوشته شده: «نزار قبانی... این شکست را رسوایی بزرگ اعراب می‌داند». به جای "رسوایی" باید "پیروزی" باشد. ب. خطاهای ناشی از ابهام و عدم وضوح متن، مانند: ج ۱، ص ۸۵، سطر دوم که عبارت نامفهوم است: «زبان فارسی با روی کار آمدن حکومت‌ها و گاهی پیش‌تر از آن در فراتر از سرزمین اصلی خود، در داخل فلات ایران نیز رسمیت یافت...»؛ یا در ج ۱، ص ۱۶۱، عنوان «درآمدی بر عصر سعدی، در اوج و اعتدال». که معلوم نیست سعدی در اوج و اعتدال است یا عصر او. پ. خطاهای ناشی از تعارض و عدم انسجام متن، مانند ج ۱، ص ۸۹ که در سطر آخر آمده است: «در زیر به ذکر دو نمونه از آنها می‌پردازیم». درحالی‌که در ادامه سه متن معرفی شده است. یا در ج ۲، ص ۳۲، «تاریخ‌نویسی در عصر حاکمیت مغول و تیمور به دو دلیل عمده روتن گرفت»، که سه دلیل صحیح است. ت. خطاهای ناشی از افتادگی و حذف کلمه یا کلماتی از متن، چنان‌که در ج ۲، ص ۶۱، سطر سوم گفته شده: «پدران او در دوره قاجاریه به شغل دیوانی و منصب استیفا داشتند». که کلمه "اشتغال" پیش از فعل "داشتند" حذف شده است. یا در ج ۲، ص ۸۹، بند چهارم، «برای آشنایی بیشتر شعر قآنی.....»؛ حرف "با" قبل از کلمه "شعر" حذف گردیده است. ث. خطاهای ناشی از عدم استفاده درست از نشانه-

های نگارشی، مثلاً در ج ۲، ص ۱۹۰، پس از "اللاجئه"، ترجمه آن یعنی "زن آواره" باید در پرانتز می‌آمد. نتیجتاً باید اذعان کرد دو کتاب درسی کاملاً از آیین نگارش و ویرایش برخوردار نیستند.

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت صحت و اعتبار علمی دو کتاب در وضعیت مناسبی قرار ندارد.

### یافته‌ها و نتیجه‌گیری

بررسی نظرات متخصصان تاریخ ادبیات و دبیران این درس برای دستیابی به پاسخ پرسش‌های پژوهش نتایج زیر را نشان می‌دهد:

۱. در پاسخ به پرسش اول پژوهش، درباره برخورداری دو کتاب درسی از جامعیت، باید گفت موضوعی که این امر را تحت تأثیر قرار می‌دهد، رعایت محدودیت فضای چنین کتاب‌هایی به دلیل ملاحظات وقتی و زمانی در تدریس است. لذا جامع بودن این دو در حد یک تاریخ ادبیات ملی مفصل عملی نیست. اما در دو کتاب حاضر در مواردی عذیده می‌توان شواهدی از عدم جامعیت و کاستی محتوایی برشمرد. برای نمونه، درباب اطلاعات سبک‌شناختی دو کتاب می‌توان گفت به بیان حداقلی ویژگی سبکی اکتفا شده است. به دیگر سخن، در متن مباحث و در بخش خودآزمایی‌ها درباره سبک آثار ادبی که از ملزومات این گونه آثار است چندان سخنی به میان نیامده است. لذا دو اثر در این زمینه خلأ جدی دارند. موضوع عدم جامعیت تاریخ‌های ادبی در مطالعه کرمی (بی‌تا) مورد تأیید قرار گرفته و سمیعی گیلانی (۱۳۸۶)، فتوحی (۱۳۸۷)، زرقانی (۱۳۸۹) و... این نقیصه را از جمله نقیصه‌های تاریخ ادبیات‌های ملی به حساب آورده‌اند. لذا در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت هر چند از نظر دبیران جامعیت کتاب درسی در پایه دوم و سوم دبیرستان در سطح مناسب است، اما با عنایت به نظرات متخصصان که وزن بیشتری برای آن قائلیم، جامعیت دو کتاب با شرایط مناسب فاصله دارد.

۲. در پاسخ به پرسش دوم پژوهش، درباره برخورداری دو کتاب درسی از صحت و اعتبار علمی، باید گفت با توجه به مصادیقی که در حوزه اطلاعات تاریخی، زندگی‌نامه‌ای و ادبی



ارزشیابی محتوای درس تاریخ ادبیات دوره دوم متوسطه بر اساس ...

پیشتر برشمرده شد، گاهی در آن دو مطالبی یافت می‌شود که صحت و اعتبار علمی ندارد. در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت صحت و اعتبار علمی دو کتاب در وضعیت مناسبی قرار ندارد و بخشی از این کاستی را باید به عدم بازبینی و ارزیابی دوره‌ای دو اثر نسبت داد که از دستاوردهای تازه علمی\_از نوع آنچه از شفیع کدکنی (۱۳۷۶ و ۱۳۸۸) و فتوحی (۱۳۸۷) نقل شد\_ بی‌بهره‌اند.

## منابع

- براتی، مرضیه (۱۳۸۷): *بررسی و تحلیل مکتب‌های ادبی در تاریخ ادبیات پایه دوم و سوم متوسطه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحد شیروان.
- حق‌شناس، مریم (۱۳۹۲): *نگاهی انتقادی و تحلیلی بر سیر تاریخ ادبیات در سه مقطع ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۰*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- زرقانی، مهدی (۱۳۸۹): *کاستی‌های روش‌شناسانه تاریخ ادبیات‌نگاری برای زبان فارسی*، نامه فرهنگستان، شماره ۴/۱۱، تهران.
- سمیعی گیلانی، احمد (۱۳۸۶): *نارسایی‌ها در تدوین تاریخ ادبیات فارسی و ضرورت اصلاح و رفع آن‌ها*، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۶): *نخستین تجربه‌های شعر عرفانی*، درخت معرفت: جشن‌نامه استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب، چاپ اول، سخن، تهران.
- ..... (۱۳۸۸): «پیر هری» غیر از «خواجه عبدالله انصاری» است، نامه بهارستان، سال دهم، دفتر ۱۵، تهران.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۷): *نظریه تاریخ ادبیات*، چاپ اول، سخن، تهران.
- قمری، حیدر (۱۳۹۵): *ارزشیابی محتوای درس تاریخ ادبیات دوره دوم متوسطه (سال دوم و سوم آموزش متوسطه کنونی، رشته ادبیات و علوم انسانی)*، گزارش پژوهشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- کبیری، مسعود (۱۳۹۳): *ارزشیابی کتاب ریاضی سوم دبستان*، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
- کریمی، حجت‌الله (بی‌تا): *نقد و بررسی کتاب تاریخ ادبیات ایران و جهان ۱*، سال دوم دبیرستان، رشته علوم انسانی، (از درس ۱ تا ۱۸) به نشانی:

<http://adab.tama.ir/site/maghalat/maghale/186>

محمدزاده، سید عباس و وحید رویانی (۱۳۸۶)؛ *سام‌نامه از کیست؟*، مجله جستارهای ادبی (دانشکده

ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد)، شماره ۱۵۸- پاییز ۱۳۸۶.

یاحقی، محمدجعفر و عبدالحسین فرزاد (۱۳۹۱)؛ *تاریخ ادبیات ایران و جهان (۱)* - سال دوم آموزش

متوسطه- نظری (رشته ادبیات و علوم انسانی)- کد ۲۴۶/۱.

..... (۱۳۹۱)؛ *تاریخ ادبیات ایران و جهان (۲)* - سال سوم آموزش متوسطه- نظری

(رشته ادبیات و علوم انسانی)- کد ۲۷۶/۱.

نشانی وبگاه برنامه درسی چند کشور:

<http://acara.edu.au/default.asp>

<http://www.australiancurriculum.edu.au/>

[http://www.corestandards.org/assets/CCSSI\\_ELA%20Standards.pdf](http://www.corestandards.org/assets/CCSSI_ELA%20Standards.pdf)

(Common Core State Standards for English Language Arts & Literacy in  
History/Social Studies, Science, and Technical Subjects)

<http://www.corestandards.org/ELA-Literacy/>

<http://www.edu.gov.on.ca>

<http://www2.gov.bc.ca/>

<https://www.education.gov.au/>

<https://www.gov.uk/government/collections/national-curriculum>

<https://www.studentsfirst.gov.au/>

<https://www.tes.com/uk/>